

## تاثیر هنر نمایش بر ایجاد خلاقیت و حل تمرینات درس ریاضی پایه چهارم ابتدایی

افسانه بازدار<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس شیمی محض، آموزگار پایه چهارم ابتدایی، دبستان پسرانه سما، دانشکده فنی و حرفه ای سما بندرعباس

### چکیده

این پژوهش در راستای تاثیر هنر نمایش بر ایجاد خلاقیت و حل تمرینات درس ریاضی پایه چهارم ابتدایی تهیه و تنظیم گردیده است. روش پژوهش به صورت میدانی و در برخی موارد کتابخانه ای می باشد. به این صورت که جهت تاثیر هنر نمایش و اجرای آن جهت حل تمرینات بر سر کلاس درس رفته و از لحظه لحظه فعالیتها عکس و فیلم تهیه شده و سپس در محیط کتابخانه به تحقیق و مطالعه در خصوص این رفتارها پرداخته شده است. ایجاد خلاقیت در کودکان و نحوه بازخورد آن از سوی والدین کار ساده ای نیست اما در این پژوهش سعی شده است تا حدی هنر نمایش و درس ریاضیات مورد ارزیابی قرار گرفته و تاثیر هر یک تا جایی که از حوصله مخاطب خارج نباشد مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: هنر، نمایش، خلاقیت، ریاضی، چهارم

## ۱- مقدمه

ریاضیات در تصور برخی از دانش آموزان درسی بسیار دشوار و خشک می باشد و همین امر باعث شده است که خیلی از آنها بدون ورود به عمق این درس شیرین و جذاب و در بدو ورود به آن نسبت به این درس احساس خوبی نداشته باشند و در نهایت دانش آموزانی خواهیم داشت که چیزی جز چند فرمول که آن هم بر سر اجبار و امتحان حفظ کرده اند نخواهیم داشت. باید به خاطر داشته باشیم که هدف از آمدن دانش آموزان به مدرسه، آموزش و یادگیری مستمر می باشد. پس بایستی به دنبال روش هایی بود که آموزش و یادگیری ریاضیات را جذاب کند. اگر آموزش ریاضیات با یک روش جالب و جذاب برای دانش آموزان همراه باشد، یادگیری موثرتری صورت می گیرد. در این جا این سوال پیش می آید که کدام روش ها هستند که در آموزش ریاضیات، یک فضای آموزشی جالب ایجاد می کنند، چگونه می توان در مباحث مختلف ریاضی از این روش ها بهره برد.

در میان روش های کلی آموزش درس ریاضی، می توان به روش هنری اشاره کرد که از دیر باز مورد نظر قرار داشته است. روش هنری آموزش ریاضیات را می توان از طبیعت ایده گرفت استفاده ی متنوع از این روش در زندگی انسان، از جمله در فعالیت های تفریحی، رسانه های جمعی و کاربرد های پراکنده ی آن در برنامه های درسی و آموزشی و وجود شواهد و قرائنی حاکی از علاقه مندی و گرایش خاص دانش آموزان نسبت به برنامه های هنری، لزوم انجام بررسی های گسترده را در این زمینه آشکار می سازد. ما در این مقاله، ارتباط بین هنر نمایش و آموزش ریاضی را مورد بحث قرار دادیم و این که آموزش هنری درس ریاضیات چه تاثیری در یادگیری ریاضیات دارد.

## ۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

## ۲-۱- هنر

در یک تعریف کلی هنر را چنین بیان می کنیم که خلاقیتی است درونی تا بتواند خلایق را پر کند. یعنی هر آنچه از درون انسان به بیرون بتراود تا بتواند پاسخگوی یکی از نیازهای \_ترجیحا حسی\_ مردم در جامعه باشد. حال این هنر خود بر دو گونه است: یکی هنر زیبا و دیگری هنر کاربردی. لازم به ذکر است که هنر در جامعه اسلامی و در کشورهایی همچون ایران عزیز ما شرایط و ضوابط خاص خود را دارد.

کلمه هنر از واژه "سونر" در زبان سانسکریت گرفته شده و به معنای "یک واحد نیک" می باشد که در دوره هخامنشی وارد فرهنگ ایرانی و زبان سانسکریت گردید. در اواسط دوره اشکانی با ابداع خط پهلوی اشکانی که از الفبای آرامی گرفته شده بود، کلمه "سونر" به "هونر" تبدیل شد و سپس در طی دوره های متمدنی به صورت واژه "هنر" تبدیل شد. امروزه آفرینش های هنری به پنج دسته تقسیم بندی شده اند: ۱- هنرهای ادبی (نظم و نثر و داستان و ...) ۲- هنرهای موسیقی (سنتی، نوگرا و ...) ۳- هنرهای نمایشی (تئاتر و سینما) ۴- هنرهای کاربردی (معماری، عکاسی، طراحی سنتی، صنایع دستی، طراحی دستی، گرافیک) ۵- هنرهای زیبا (نقاشی، پیکره سازی، پیکره تراشی) (رامونا محمدی، ۱۳۹۴؛ ۱۷).

اصلی که اقتضا دارد هنر با قوانین ملازم هر شی و موضوعی که هنرمندان بدان می پردازد سازگاری داشته باشد، در هنرهای فرعی نیز مراعات می شود؛ مثلا در هنر قالبیابی که معرف و مشخص جهان اسلام است، محدود ماندن به اشکال منحصر ا هندسی بر وفق ترکیب بندی هنری در سطحی مستوی و فقدان تصاویر به معنای حقیقی کلمه، مانع از باروری هنری نشده است (تیتوس برکهپارت؛ ۱۳۹۰، ص ۱۳۴).

## ۲-۲- نمایش

نمایش زیر گروهی از هنر می باشد که با روایتی داستانهای را در برابر تماشاگران توسط اشخاصی به اجرا در می آورد. این گونه از نمایش به جز نام عامیانه اش که تئاتر نامیده می شود عناوین دیگری از جمله اپرا، باله، کابوکی، تعزیه، خیمه شب بازی و پانتومیم نیز دارد.

در واقع نمایش در یک معنای کلی یعنی A در نقش B وقتی که C نظاره گر آن باشد. اسلین مارتین در کتابش نمایش را قالبی برای اندیشه، روندی برای شناخت و شیوه‌ای برای برگردانیدن مفاهیم انتزاعی به شرایط ملموس انسانی، به شمار می‌آورد (اسلین مارتین، ۱۳۷۹؛ ۴).

### ۳-۲- خلاقیت

آفرینندگی یا آفرینشگری یا خلاقیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌کند.

خلاقیت و نوآوری از والاترین ویژگی‌های انسان است. همه علوم، تولیدات، فناوری‌ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به‌طور کلی اساس انواع تمدن‌ها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت امکان‌پذیر نیست. خلاقیت مفهومی است که تعریف‌های آن در طول زمان تغییراتی کرده‌است و پژوهشگران مختلف تعاریف متعددی برای آن ارائه نموده‌اند که البته اشتراک معنایی زیادی دارند. به عنوان مثال تورنس، خلاقیت را به عنوان نوعی مسئله‌گشایی مد نظر قرار داده‌است. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارتست از فرایند حس کردن مسائل یا کاستی‌های موجود در اطلاعات، فرضیه‌سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی‌ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه‌ها، بازنگری و بازآزمایی آن‌ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران.

خلاقیت شامل تولید چیزی است که هم اصیل و هم ارزشمند باشد و نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه و ناخودآگاه انسان می‌باشد. از دیدگاه یک دیدگاه علمی محصولات تفکر خلاق گاهی اوقات به تفکر واگرا ارجاع داده می‌شود. همانند دیگر پدیده‌ها در علم یک دیدگاه یا تعریف یگانه از خلاقیت وجود ندارد و به‌طور متنوع به موارد زیر منسوب شده‌است: فرایند شناختی، محیطی اجتماعی، ویژگی فردی، شانس و همچنین مواردی مانند نبوغ، بیماری‌های روانی و شوخ‌طبعی پیوند داده شده‌است.

تعریف مناسب دیگر فرایند فرضیات شکسته است تفکرات خلاق زمانی تولید می‌شود که شخص پیش‌فرض‌ها را کنار گذاشته و یک دیدگاه جدیدی را جستجو کند که دیگران به آن نپرداخته‌اند. خلاقیت نیاز به حضور همزمان تعدادی از ویژگی‌ها از قبیل هوش، پشتکار، غیرمتمعارف بودن و توانایی تفکر به سبکی خاص دارد. خلاقیت، خودکار و بدون زحمت و تلاش است و غالباً همچون تصورات ذهنی خودانگیخته به وجود می‌آید. برای آن مراحل توسط هلم هولتز و والاس پیشنهاد شده‌است: ۱- آمادگی ۲- دوره نهفتگی ۳- الهام ۴- تحقق (مجله مدیریت، شماره ۵۹؛ ۲۲)

### ۴-۲- ریاضی

ریاضیات یا ریاضی یا اِنگارِش یا مَزدهیک را بیش‌تر دانش بررسی کمیته‌ها و ساختارها و فضا و دگرگونی (تغییر) تعریف می‌کنند. دیدگاه دیگری ریاضی را دانشی می‌داند که در آن با استدلال منطقی از اصول و تعریف‌ها به نتایج دقیق و جدیدی می‌رسیم (دیدگاه‌های دیگری نیز در فلسفه ریاضیات بیان شده‌است). با اینکه ریاضیات از علوم طبیعی به‌شمار نمی‌رود، ولی ساختارهای ویژه‌ای که ریاضی‌دانان می‌پژوهند بیشتر از دانش‌های طبیعی به‌ویژه فیزیک سرچشمه می‌گیرند و در فضایی جدا از طبیعت و محض‌گونه گسترش پیدا می‌کنند، به‌طوری که علوم طبیعی برای حل مسائل خود به ریاضی باز می‌گردند تا جوابشان را با آن مقایسه و بررسی کنند (غلامرضا صفاکیش همدانی، ۱۳۸۱؛ ۵۴).

علوم طبیعی، مهندسی، اقتصاد و پزشکی بسیار به ریاضیات تکیه دارد ولی ریاضی‌دانان گاه به دلایل صرفاً ریاضی (و نه کاربردی) به تعریف و بررسی برخی ساختارها می‌پردازند.

مصریان باستان، بیش از ۵ هزار سال پیش، برای اندازه‌گیری و نقشه‌برداری زمین و ساختن اهرام با دقت بسیار بالا، از حساب و هندسه استفاده می‌کردند. علم حساب با اعداد و محاسبه سر و کار دارد. در حساب، چهار عمل اصلی عبارتند از: جمع، تفریق، ضرب و تقسیم. هندسه علم مطالعه خط‌ها، زاویه‌ها، شکل‌ها، و حجم‌ها است. یونانی‌هایی چون اقلیدس، حدود ۲۵۰۰ سال قبل، بیشتر قوانین اصلی هندسه (قضایای هندسه) را تعیین کردند. جبر نوعی خلاصه‌نویسی ریاضیات است که در آن برای نشان دادن کمیت‌های نامعلوم، از علائمی چون  $x$  و  $y$  استفاده می‌شود. این علم را نیز دانشمندان ایرانی، مانند خوارزمی، حدود ۱۲۰۰ سال قبل توسعه دادند. حساب، هندسه و جبر، پایه‌های ریاضیات هستند.

ریاضیات نوعی زبان علمی است. مهندسان، فیزیکدانان، و سایر دانشمندان، همگی از ریاضیات در کارهایشان استفاده می‌کنند. سایر کارشناسان که به مطالعه اعداد، کمیت‌ها، شکل‌ها و فضا به شکل محض علاقه دارند، ریاضیات محض (غیرکاربردی) را به کار می‌گیرند. نظریه اعداد که شامل مطالعه اعداد درست و نحوه عمل آنهاست، شاخه‌ای از ریاضیات محض به شمار می‌آید. در دنیای جدید، ریاضیات یکی از عناصر کلیدی علوم الکترونیک و رایانه به شمار می‌رود (حسین سرمدی، علی برزگر، ۱۳۸۶؛ ۷۴).

### ۳- پیشینه

**رفعت دواچی (۱۳۹۴):** ریاضیات زندگی روزمره، برای علم، برای تجارت و برای صنعت مفید است. زیرا اولاً یک وسیله ارتباطی قدرتمند، معتبر و بدون الهام است، ثانیاً ابزاری برای تعیین و پیش بینی است. قدرت آن در علائم (سمبول‌های) آن، که گرامر و تجزیه و ترکیب‌های خاص خود را دارد، نهفته است. ریاضیات باعث توسعه تفکر منطقی می‌شود و از جاذبه زیبایی‌شناسانه نیز برخوردار است. شاید بسیاری از مردم و حتی آموزگاران فکر کنند که ریاضیات هنر محاسبه است و ریاضی دانان باید همه عمر خود را صرف ساختن محاسبات پیچیده ریاضی کنند. چنین عقیده‌ای به حقیقت نزدیک نیست. کار ریاضی دانان استدلال است نه محاسبه به دلیل نقش و اهمیت این رویکرد در حوزه آموزش ریاضی، مطالعه حاضر با روش کتابخانه‌ای، و به استناد منابع و پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌های علوم شناختی و آموزش ریاضی انجام شد. در این راستا زیرساخت‌های لازم جهت به کارگیری این رویکرد در آموزش ریاضی دوره ابتدایی تبیین شد. سپس، بر اساس آن، ساختار تولید محتوای ریاضی دوره ابتدایی مبتنی بر درک و فهم ریاضی و روش‌های تدریس متناسب با آن معرفی گردید. از دیگر اهداف این تحقیق گسترش دادن و علاقه به ریاضیات و ایجاد انگیزه می‌باشد. در این مقاله سعی شده با اشاره به اهمیت و ضرورت یادگیری درس ریاضی در دوره ابتدایی به ارائه اصول‌هایی به منظور ارتقا آموزش ریاضی در این دوره پرداخته شود.

**فائزه نظری گزنق (۱۳۹۶):** ریاضیات یکی از عالی‌ترین تراوشهای اندیشه‌ی آدمی است که منعکس‌کننده‌ی اراده‌ی انسان و نشان‌دهنده‌ی سیر عقل و برهان و همچنین بیان‌کننده‌ی میزان علاقه‌ی بشر به کمال و زیبایی است. نقش بنیادی علم ریاضی در پیشبرد سایر علوم و فنون نیز مورد پذیرش همگان است، به طوری که نرسیدن به هدفهای آموزشی در زمینه‌ی ریاضی و وجود اختلالات یادگیری موجب ضعف، ناتوانی و دست نیافتن به اهداف مربوط به پیشرفت علوم و فنون دیگر خواهد بود. بر این اساس، عنوان پژوهش حاضر این است: اختلالات یادگیری در درس ریاضی و کمک به رفع اختلال یادگیری دانش آموز پایه چهارم ابتدایی به نام ش.ع در درس ریاضی و هدف اصلی آن، ایجاد انگیزه و افزایش علاقه در دانش‌آموز مورد نظر نسبت به درس ریاضی و انجام فعالیت‌های عملکردی آن و پیشرفت فراگیران در آزمون‌های مداد-کاغذی درس ریاضی می‌باشد. از سوی دیگر، این تحقیق در پی آن است که میزان مهارت دانش آموز را در انجام آزمونهای عملکردی و فعالیتهای خارج از مدرسه، ارتقا بخشد. هم چنین سعی بر آن دارد تا میزان کاربرد مفاهیم ریاضی را در زندگی روزمره‌ی فراگیران افزایش داده، و به دلیل تلفیق درس یادشده با سایر دروس، موفقیت دانش آموز در یادگیری درسهای دیگر (فارسی، علوم، هنر و غیره) را نیز امکان پذیر سازد. در این پژوهش از روش مطالعه موردی استفاده شد و دانش آموز پایه چهارم ابتدایی به نام ش.ع که اختلال

یادگیری در درس ریاضی داشت با استفاده از آزمون ریون و پرسشنامه و مشاهده، شناسایی شد و اقداماتی در جهت کمک به رفع اختلال وی انجام گرفت.

**بابک دهقانی، نسیم عماره، (۱۳۹۷)؛** زبان هنر به عنوان وسیله ای جهت آموزش از بهترین گزینه هایی است که در سالهای اخیر استفاده میشود. بسیاری از آموزگاران از آن استفاده نموده و سعی بر بهره از آن داشتهاند. در این تحقیق تلاش شده است کهبا استفاده از هنرهای همچون نمایش و موسیقی در شیوه های جدید تدریس مباحثی را به مخاطب ارایه نمود، چرا که شیوه های معلم محور دیگر توانایی آموزش را نداشته و در دنیای دیجیتالی می بایست از علوم جایگزین استفاده کرد. نمایش و موسیقی از قدیم با مردمان همراه بوده و بشر توانسته است با آن ارتباط تنگاتنگی برقرار نماید. این دو هنر بر خلاف هنرهای دیگر نیاز به تخصص ویژه جهت دستیابی نداشته و هر شخصی در هر رده سنی توانایی اجرای آن را با تمرین و ممارست فراوان دارد. هنر نمایش در واقع به هنری اطلاق میگردد که شخص خود را در نقش دیگری ببرد تا بتواند مفاهیمی را به مخاطب خود ارایه کند. و هنر موسیقی در واقع به عنوان زبان مشترک همه مردم دنیا میتواند پل ارتباطی خوبی برای آموزش و پرورش آن هم در هزاره ی سوم به کار رود. در شیوه های سنتی و معلم محور، مدرس می بایست از تمام وجود خود مایه بگذارد تا بتواند پیامی را به مخاطبین خود که در واقع همان دانش آموزان هستند انتقال دهد. اما در شیوه های مدرن در واقع خود دانش آموزان هستند که وظیفه آموزش را بر عهده می گیرند و خود را مسئول آموزش می دانند. در واقع کار آموزگار جمع بندی دقیق و صحیح از مباحثی می باشد که دانش آموزان سعی در آموزش آن داشته اند. شیوه های معلم محور و سنتی دیگر کار ساز نبوده و آموزگاران از تکلم بیش از حد خودداری می نمایند. تجربه ثابت نموده است که دانش آموزی موفق تر خواهد بود که خود توانایی آموزش و انتقال مفاهیم را داشته باشد. بسیاری از اندیشمندان بزرگ از هنر موسیقی چنین یاد میکنند که در آموزش دروس مختلف از جمله ریاضیات تاثیر بسزایی دارد و می تواند کامل کننده ی هنر نمایش باشد. موسیقی و نمایش مکمل یکدیگر بوده و وجود هر کدام تاثیر بسیاری در دیگری دارد. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس بوده که در قالب پرسشنامه ای توسط ۲۰ نفر از آموزگاران مدارس خاص بندرعباس مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته اند.

#### ۴- روش تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق دانش آموزانی هستند که در دبستان پسرانه سما شهر بندرعباس در کلاس چهارم تحت نظارت نگارنده این تحقیق، به تحصیل می پردازند. اما در این تحصیل رویکردی به نام هنر نمایش وجود دارد. لذا سعی شده است از دانش آموزانی استفاده شود که تمایل و استعداد و توانایی استفاده از این هنر را داشته و به همین واسطه درس را بیش از پیش فرا می گیرند.

در این پژوهش متناسب با موضوع و در جهت دستیابی به اهداف از روش تحقیق کتابخانه ای استفاده می شود. با توجه به اینکه در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده خواهد شد و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه ها و سایت های اینترنتی و بانک های اطلاعاتی و استنادی همانند: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، سیولیکا، مرکز تحقیقات کامپیوتری و با مراجعه به کتابخانه های دیجیتالی (کتابخانه های دیجیتالی نور، دانشگاه پیام نور و دانشگاه تهران) و برخی کتابخانه ها، با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقاتی که انجام گرفته است، کتابها، مقالات، مجلات، پایان نامه ها و سایت های اینترنتی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. بدین معنی که پس از بررسی های به عمل آمده از منابع در دست و فیش برداری به تحقیق و فیش برداری اطلاعات گردآوری خواهد شد.

#### ۵- نتایج و بحث

##### ۵-۱- هنر و ریاضیات

انواع هنر همچون ابزار قدرتمندی هستند که می توانند به رویارو شدن با دشواری های ریاضی به بهترین شکل ممکن کمک کنند. دشواری هایی که هدف از تسهیل آن ها بهبود یاد دهی و یادگیری می باشد. نقش آموزشی هنر نه تنها در بهبود کیفیت فهم مساله بسیار حیاتی و اساسی است بلکه برای متحول کردن طرز تفکر به شیوه های گوناگون دارای قدرت و ظرفیتی است که در سایر موضوعات آموزشی چنین قدرتی را سراغ نداریم. مطالعات و بررسی ها نشان داده اند که انواع هنر مهارت های تفکر انتقادی مربوط به طرح و حل مساله - تجزیه و تحلیل - ترکیب - ارزشیابی و تصمیم گیری در مورد پارامتر های مساله را تحریک و تقویت می کنند. تربیت هنری موجب پرورش توانایی تعبیر و فهم نماد های پیچیده می شود که نمونه ی بارز آن آشنایی با نماد های ریاضی می باشد. همچنین در پرورش خلاقیت نقش محوری را ایفا می کند و موجب پرورش مهارت به تصویر کشیدن ذهنی مساله می شود و آموزنده را توانمند می کند تا روش های حل غیر متعارف و غیر سنتی را به ذهن بیاورد. لازم به یاد آوری است که مطالعه و تولید اثر هنری به خودی خود دارای اعتبار است. از این جهت شکل گیری آموزش ریاضیات به صورت هنری، هویت فرهنگی را در چار چوب هدفمندی حفظ و نگهداری می کند و بالعکس به کار گیری هنر به بهترین شکل در فهم و ادراک مطالب کمک شایانی می کند. با ذکر این مطالب و روشن شدن ارزش آموزش ریاضی مبتنی بر هنر تنها اشاره به این نکته کافیهست که آموزش هنری ریاضیات امری بنیادین به خصوص در مقاطع اولیه تحصیلی می باشد و به کار گیری آن نباید امری تجملی تلقی گردد.

## ۵-۲- هنر نمایش و بازیگری

همانطور که پیش تر عنوان شد، هنر خلاقیتی است درونی. یعنی آنچه که از درون بر آید و به بیرون بتراود تا بتواند خلایق را پر نماید.

هنر از دو جنبه مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار می گیرد: ۱- هنر زیبا ۲- هنر کاربردی  
راسکین می گوید: هنر واحد است، تفاوت قایل شدن میان هنر زیبا و کاربردی تصنعی و مخرب است (دونیس ا. داندیس، ۱۳۸۲؛ ص ۲۲).

لازم به ذکر است که هنر زیر مجموعه های فراوانی از جمله؛ نمایش، موسیقی، آواز، رقص، معماری، عکاسی، نقاشی، گرافیک و ... دارد که در این تحقیق به مطالعه موردی تاثیر هنر نمایش و موسیقی بر میزان یادگیری دانش آموزان پرداخته شده است. به نظر می رسد که یکی از متفکران روسی به نام تولستوی بیش از سایرین به معنای هنر دقت و تامل داشته است و نظریات فراوانی را ارائه نموده که یکی از این نظریات به طور نسبی دقیق تر از سایرین می باشد؛ از نظر وی، هنر فعالیت انسانی است که انسان آگاهانه و به یاری علایم ظاهری، احساسات تجربه شده خود را به دیگران انتقال دهد، به طوری که آن ها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از مسیر حسی و خیالی که هنرمند از آن گذشته است بگذرند. هنر وسیله کسب لذت نیست بلکه وسیله ارتباط با انسان ها جهت سیر به سوی سعادت فرد و جامعه انسانی است<sup>۱</sup> (غلامرضا اعوانی، ۱۳۷۸).

<sup>۱</sup> - هنر چیست؟ این اثر لئون تولستوی در باب هنر قابل تأمل است، زیرا تعریف وی بازگشت هنر به حالات نفسانی خاص هنرمند است و یا برعکس. این ابهام به ذهن خطور می کند که آیا هرگونه انعکاس احساسات انسانی به صورت علایم مشخص که توسط انسان تجربه شده و انتقال آن به دیگران به وسیله حرکت، خط، رنگ، صدا و یا اشکال هندسی، "هنر" نامیده می شود، یا انتقال احساسات و عواطف خاص با علایم ویژه، "هنر" به شمار می آید. هر چند تولستوی در توصیف خویش، به غایت هنر به عنوان سعادت و خیر اشاره کرده است. علاوه بر این، جای این پرسش وجود دارد که آیا این عواطف و احساسات تجربه شده، جنبه ذوقی و درونی دارد یا با نوعی حال حضور و دریافت اشرافی از طرف حق همراه است؟ اگر جنبه سلیقه ای و شخصی داشته باشد، نمی توان از آن به عنوان ضابطه و قاعده در توصیف هنر استفاده کرد، زیرا جنبه کلی ندارد.

در یک معنای کلی نمایش بدین معناست که A در نقش B زمانی که C نظاره گر آن باشد. کلمه تئاتر از واژه یونانی تئاترون<sup>۲</sup> به معنای دیدن و تماشا کردن و محل تماشا آمده است و نمایش از کلمه یونانی دراما<sup>۳</sup> به معنای کنش و عمل کردن گرفته شده و آنچه که امروز درام نامیده می شود یک تلفظ فرانسوی است.

در مورد پیدایش و خاستگاه این هنر نظریات متعددی وجود دارد زیرا مدارک قابل اعتمادی تا کنون در این زمینه به دست نیامده، یک نظریه که پذیرفتنی ترین نظریه ها نیز هست حاکی از آن است که تئاتر از مراسم آئینی برخاسته، بدین ترتیب که بشر در آغاز به نیروها و موجوداتی اعتقاد پیدا کرده بود که می پنداشت تمام منابع غذایی و حیاتی اش به این موجودات تعلق دارند، لذا قبرای جلب رضایت و حمایت آنها اعمال و حرکاتی انجام می داد و شیوه های مختلفی را به کار می گرفت که این اعمال و حرکات به تدریج جرح و تعدیل یافته و به آئینی خاص بدل گشتند. از مراسم آئینی در زمینه های گوناگون از جمله باروری زمین، رهایی از خشکسالی، پیروزی در مبارزات و تغییر فصول بهره می جستند و عمدتاً نیز شکل و حالت نمایشی داشتند و عموماً اکثر افراد قبیله به اجرای آن همت گماردند (رحمت الله محرابی، ۱۳۷۹؛ ص ۱۱)

آنچه که در یک نمایش بیشترین اهمیت را دارد و اساساً بدون حضورش تئاتری وجود نخواهد داشت بازیگر است، زیرا بدون متن می توان به اجرای نوعی از نمایش همت گمارد (مانند نمایشهایی که بر مبنای بدیهه سازی<sup>۴</sup> به اجرا در می آیند) (همان، ص ۱۵)

روش نمایشی، از روش های متداول و مرسوم در آموزش است و در تاریخ این رشته، سابقه ای طولانی دارد. همانگونه که از نام این روش بر می آید، در آن، پدیده یا واقعیتی به نمایش گذاشته می شود و مهارت های دیدن، از محورهای اصلی این نوع آموزش است. با استفاده از این روش می توان با کمترین زمان، به تعداد زیادی از فراگیرندگان اطلاعات داد. در مورد اجرای این روش، دو مشکل اساسی وجود دارد: دانش آموزان فقط از یک حس، یعنی دیدن استفاده می کنند و صرفاً دانش و اطلاعات به دست می آورند و در این روش غیر فعال هستند (منوچهر فضلی خانی، ۱۳۹۱؛ ۲۴۴).

نمایش در مدارس دارای فرمت خاصی است، چرا که بازیگران آن از هرگونه حرفه و صنعتی در راستای استفاده از فیزیک و میمیک خود به دور هستند و تمام تلاششان برای خوب بودن است، غافل از اینکه این خوب بودن نیاز به تمرینات مکرر دارد نه تمرینات مقطعی.

نگارنده بر حسب تجربه ای که خود به عنوان معاون پرورشی در مدارس دارد لازم می دارند که این توضیح را اضافه نماید که کار نمایش در مدارس باید بر مبنای موقعیتی که دانش آموز در آن قرار گرفته شده است ساخته شود. چرا که سریع تر به نتیجه خواهد رسید. نمایش در مدارس ابتدایی می بایست دارای ریتم و حرکت بوده تا بتوان بهتر و بیشتر برای بازیگر قابل هضم باشد. این ریتم می تواند بر پایه یک سری حرکات موزون باشد که چنین بیان می شود:

حرکات موزون کودکان در حقیقت چرخیدن در یک دایره، دست زدن، پا کوبیدن و ... است که برخی از آنها در بازی های سنتی وجود دارند و بقیه توسط کودکان و مربی ابداع می شوند. این حرکات موزون از یک سو باعث تنوع حرکاتی می شود که کودک می تواند انجام دهد و اجرا کند که خود موجب هماهنگی بین اعضای بدن و رشد حرکتی و همچنین افزایش انگیزه و رغبت برای آموزش می شود و از سوی دیگر برای آموزش و درک ریتم و ملودی و فرم مورد استفاده قرار می گیرد (سودابه سالم، ۱۳۸۹؛ ص ۹).

<sup>۲</sup> - Theatron

<sup>۳</sup> - Darma

<sup>۴</sup> - در اینگونه نمایش بدون آنکه دست نوشته ای در میان باشد بازیگران با استفاده از خلاقیت های خود و با توجه به موقعیت و شرایطی که در آن قرار می گیرند به ایفای نقش می پردازند.

نمایش یکی از زیر مجموعه های هنر می باشد که در مدت کوتاه ورود خود به ایران با استقبال بی نظیری در بین عوام روبرو شد و همگان تب بازیگری در سر می پروراندند. افراد زیادی برای رسیدن به آن تلاش می کنند و شبانه روز به تمرین و تحصیل ممارست می ورزند و راه های طول درازی را نزد اساتید برجسته می روند تا بتوانند این هنر را بیاموزند.

### ۵-۳- آموزش تئاتر و نمایش

سالهای پایانی حکومت قاجار را تا سال ۱۳۲۰ هـ. ش می توان سالهای تمرین برای به وجود آوردن تئاتر در ایران دانست. این تلاش ها از سال ۱۳۱۸ هـ. ش با راه افتادن سازمان پرورش افکار و تاسیس هنرستان هنرپیشگی، سازمان می یابند و کارهای زیربنایی صورت می گیرد و آموزش تئاتر جدی می شود، اما تا آن سال ها هنوز وقت باقی است. این دوران، دوران رکود است. دوران تشکیل گروه های تئاتری، تماشاخانه ها و تالارها و به فاصله ی کمی، تعطیلی آنهاست؛ سال های تاسیس و تعطیلی، سال های آزمون و خطا. اولین تماشاخانه و تئاتر مردمی ایران در حدود سال ۱۲۹۰ هـ. ش با نام تئاتر ملی افتتاح شد. بر خلاف دارالفنون مردم عادی هم می توانستند به دیدن تئاترهایش بروند (ابراهیم امینی، ۱۳۹۵؛ ص ۶۸).

بازیگر، قبل از هر کاری، باید یک بدن خیالی برای نقش تجسم کند. این بدن خیالی، بدن نقش است. بازیگر باید یاد بگیرد که چگونه بدن خیالی را مثل یک لباس تن خودش کند. با تمرین منظم و زیاد، یاد می گیرد که چه جوری تناسبات بدن خودش را تغییر دهد و با بدن نقش یکی شود. هر نقش، علاوه بر بدن خیالی، یک مرکز خیالی هم دارد. منظور از مرکز خیالی، منطقه ای در درون و بیرون بدن نقش است که محرک تمام حرکات و رفتارهای اوست (میخائیل چخوف، ۱۳۸۵؛ ص ۴۰). لازم است که اشاره شود که در نقش پذیری توسط دانش آموز جهت یادگیری درس نیاز به غرق شدن در نقش نیست چرا که در اینجا هنر ابزاری است جهت آموزش درس. اما اگر این نقش پذیری در راستای به تماشا گذاشتن باشد که مخاطبان آن دانش آموزان باشند می بایست بازیگر در نقش فرو رفته و بتواند خود را آنچنان نشان دهد تا آموزش کامل و جامع صورت پذیرد.

تمامی آموزگاران در برهه ای از زمان، دیر یا زود به این نتیجه پی خواهند برد که هنر علی الخصوص هنر نمایش می تواند کار آموزش را آسان تر نماید. طبیعتاً اگر ما بتوانیم از ابزاری جهت ماندگاری در ذهن استفاده کنیم بیشتر می توانیم آموزش خود را پیش ببریم. کودکان از نمایش های ریتمیک خوششان می آید و لذت می برند. به عنوان مثال ما می توانیم با استفاده از هنر نمایش و حرکات موزون در بدن به آموزش برخی از فعالیتهای آموزشی بپردازیم. به عنوان مثال: یک دانش آموز وقتی از شخصیت یک قصه گو لذت می برد پس ما به عنوان آموزگار می بایست در قالب قصه گو درس خود را به پیش ببریم.

قصه گویی بخشی از ادبیات نیز می باشد. ادبیات کودکان به دو گونه کلی تقسیم می شوند:

۱- ادبیات شفاهی: به آن دسته از قصه ها، داستان ها، حکایات، ضرب المثله ها و ... اطلاق می گردد که در طی قرن ها و سالیان سال از نسلی به نسل دیگر سینه به سینه منتقل شده است.

۲- ادبیات مکتوب: به مجموعه ای از ادبیات اطلاق می گردد که نگاشته می شود و قابل ثبت است. چرا که بعدها شاید قابل بررسی قرار گیرد. که اقسام آن عبارت است از:

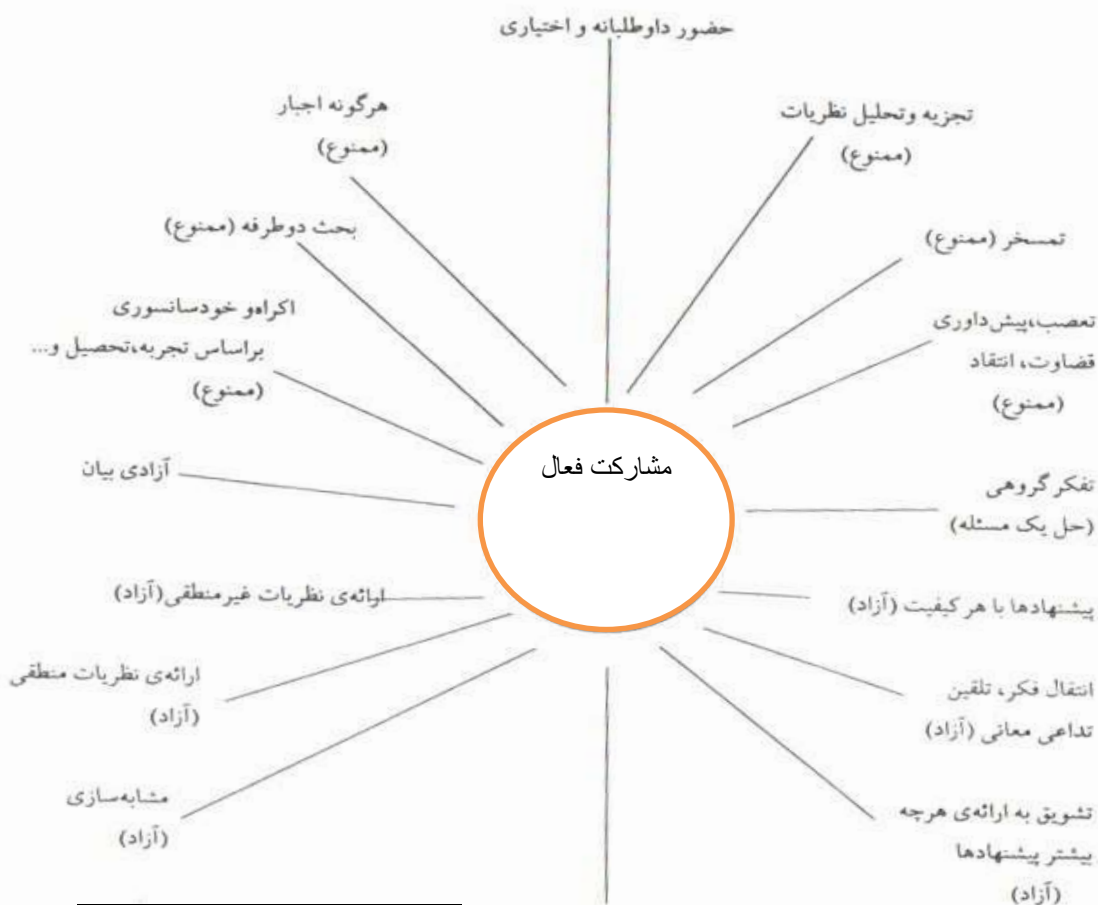
- ادبیات داستانی: مجموعه رمان ها و حکایات و همچنین داستان های کوتاه و بلند را شامل می شود که هر یک دارای خصوصیات خاص خود است. اما نکته ی مشترک بین آن ها این است که همگی بر پایه ی توصیف و داستان بنا شده است.
- ادبیات نمایشی: در ادبیات نمایشی گفتگو و عمل به جای توصیف ادبیات داستانی می نشیند و نمایشنامه را به وجود می آورد. نمایشنامه یک متن ادبی است که برای اجرا نوشته می شود، اما متن هایی وجود دارند که صرفاً برای خواندن مناسب هستند. به این نوع نمایشنامه ها اصطلاحاً صندوقخانه ای (Closet) می گویند.
- ادبیات ژورنالیستی یا روزنامه نگاری: این نوع از ادبیات بیشتر مورد استفاده ی رسانه های گروهی چون مجلات، روزنامه ها و هفته نامه ها قرار می گیرد (بابک دهقانی، ۱۳۹۲؛ ص ۳۰).

### ۵-۴- یادگیری مشارکتی در ابتدایی



در این دوره، از خودمحوری دانش آموزان کاسته می شود و آنها به تدریج شروع به نگرستن به جهان پیرامون می کنند و خود به دیدگاه های افراد دیگر مانند اعضای خانواده و همسالان توجه می یابند. دانش آموزان قادر به تفکر منطقی درباره ی روابط موجود میان پدیده ها هستند: الف) می توانند نتایج و عواقب اعمال مربوط به تجربیات گذشته و تجارب افراد دیگر را پیش بینی کنند. ب) می توانند تجارب گوناگون را به ترتیب و به گونه ای متوالی به خاطر آورند. ج) قادرند بر اساس تجربیات خویش، امور متفاوت را با هم مقایسه کنند. در این دوره دانش آموزان تجارب گسترده تری از جامعه به دست می آورند (جوانا اسکات و همکاران، ۱۳۸۵؛ ۷). با توجه به این نکات چنین تصور می شود که دانش آموزان در فعالیتهای مشارکتی نظیر نمایش، می توانند علاوه بر افکار خود، افکار و احساسات دیگران را نیز درک نمایند و به درک مشکلات و آموزش های احتمالی و ناخواسته در این هنر دست یابند. برخی از آموزگاران در دروس فارسی به این نتیجه رسیده اند که اگر بتوانند هنر نمایش را در دروس جذاب و ریتمیک به کار گیرند، به مراتب موفق تر خواهند بود و کمتر خستگی حاصل از کلاس را احساس می کنند. در همین راستا بخشی از دروس فارسی چهارم را که به راحتی قابلیت نمایشی شدن دارند و نگارنده خود در جشنواره های مختلف فرهنگی و هنری اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس به اجرا در آورده را عنوان می کنیم:

کوچ پرستوها - قوی ترین حیوان جنگل - روباه و زاغ - آرش کمانگیر - طوطی و بازرگان - شیر و موش.<sup>۵</sup>



۵. ر.ک به نگاهی به مبانی نمایشنامه نویسی و تحلیل نمایشنامه، بابک دهقانی، ۱۳۹۴.

## ۵-۵- خلاقیت در کلاس درس

همه‌ی ما به این قضیه واقف هستیم که بخش عمده‌ی ای از یادگیری کودکان و تدریس آموزگاران در کلاسهای درس صورت می‌پذیرد و کلاس درس نقش اساسی در زمینه‌سازی این خلاقیت را دارد. فضاهای مختلف از جمله عاطفی، فیزیکی، یادگیری، میزان انگیزه و ... از عوامل هستند که اصطلاحاً به آن درون کلاسی گفته می‌شود و در پیدایش خلاقیت تاثیر بسزایی دارند. نقش آموزگار در پرورش و راه‌سازی این خلاقیت از اهمیت بالایی برخوردار است اما این تاثیر گذاری از دو جنبه قابل بررسی است: رابطه عاطفی با دانش‌آموزان و رابطه آموزشی و یاددهی.

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت مستلزم این است که معلم جوی صمیمانه و مطمئن در کلاس درس ایجاد کند. به طوری که دانش‌آموز بتواند با احساس امنیت، عقاید و نظریات خویش را ابراز دارند. معلم پس از تأمین نیاز عاطفی دانش‌آموزان، می‌تواند با اجرای اصول مناسب آموزشی دانش‌آموزان را هر چه بیشتر رهنمون گردد. نکته حائز اهمیت دیگر، نوع نگرش معلم به خلاقیت و دانش‌آموزان خلاق است. توجه به این که اغلب دانش‌آموزان خلاق کمتر با جمع هماهنگ هستند و رفتارشان قابل پیش‌بینی نیست، بعضی معلمان فکر می‌کنند که آنان، دانش‌آموزان دزد سر آفرین هستند (ترزا، ۱۳۷۵؛ ص ۳۷).

هنر در ایجاد و پایه‌ریزی سنتهای فرهنگی حائز اهمیت است و کودکانی که تجارب خلاقه هنری دارند، آن را بهتر درک می‌کنند و برای آن ارزش بیشتری قائل هستند. براستی چنین است؛ زیرا ذوق و خلاقیت هنری برای آنان معنی دارتر خواهد بود. ضروریست همه‌ی مربیان تربیتی و معلمان و دانش‌آموزان کارگاه‌های عملی هنری را با موفقیت به پایان برسانند تا به درک هنری و ارتباط تصویری دست یابند و همچنین یادگیری الفبای زبان هنر و ادراک هنری لازمه‌ی توسعه‌ی هر فعالیتی بوسیله زبان هنر، می‌باشند. چنانچه ما بتوانیم افراد متخصص برای آموزش درس هنر تربیت کنیم خواهیم توانست هم وطنان هنرمند، با ادراک هنری بالا تربیت کنیم برای شکل‌گیری شخصیت هنری در دانش‌آموزان می‌بایست از دوران کودکی مربی آگاه که دارای ادراک هنری صحیح از فعالیتهای هنری کودکان می‌باشند مسؤولیت تربیت آنها را بعهده گیرند تا با بازخوردهای درست موجبات پرورش استعداد هنری آنها را فراهم نمایند. مربیان تربیتی به عنوان پرچم داران تربیت و اصلاح جامعه باید از هنر به عنوان ابزاری کارآمد در بهبود فعالیت‌های تربیتی و فرهنگ جامعه استفاده نمایند و از طریق هنر، علاوه بر ارشاد دانش‌آموزان، جامعه را از گزند تهاجم فرهنگی برهانند و به سوی تعالی و رشد سوق دهند. هنر به عنوان مؤثرترین ابزار در پرورش روح و روان دانش‌آموزان نقش کلیدی دارد که مربیان نباید از این ابزار غافل بمانند (اکبر کریمی، ۱۳۸۷؛ ص ۷).

## ۴- نتیجه‌گیری

ریاضیات از جمله دروسی است که نیاز به فعالیت عملی و وا داشتن ذهن به کار می‌باشد. حال این تصوی نباید ایجاد شود که منظور از کار، فعالیت یدی است، بلکه منظور ایجاد چالش و جذاب تر نمودن فضای آموزشی است که دانش‌آموزان از حالت سکون خارج شده و ذهنش با جریان فکری درگیر شود.

ناگفته نماند که حضور آموزگار با تجربه و استفاده از فرصت‌ها جهت درک و تقویت حافظه و همچنین استفاده از شیوه‌های جذاب آموزشی که قطعاً هنر (هنر نمایش) می‌تواند یکی از این اصول باشد، تاثیر مستقیم در یادگیری دارد. کودکان و نوجوانان هر چیز جالب را دوست دارند و در ریاضیات، موضوع‌های جالب و زیبا، فراوان است. اما نحوه ارائه و نشان دادن آن نیز حائز اهمیت است. در میان علوم مختلف ریاضیات، دانشی منظم و منطقی در حوزه‌های مختلف دارد و بسیاری از بزرگان هنر را مؤثر در آموزش ریاضیات می‌دانند.

## منابع و مآخذ:

## کتاب:

- ا.داندیس، دونیس، (۱۳۸۲)؛ مبادی سواد بصری، مترجم: مسعود سپهر، نشر سروش، چاپ ششم، تهران، شابک: ۳-۹۶۴-۴۳۵-۶۴۰.
- اسکات، جونا و همکاران (۱۳۸۵)؛ یادگیری مشارکتی، مترجمان: دکتر محمد امینی، دکتر منصور مرعشی، انتشارات مدرسه، چاپ چهارم، تهران، شابک: ۵-۸۶۰-۳۵۳-۹۶۴.
- اسلین، مارتین، (۱۳۷۹)؛ نمایش چیست، مترجم: شیرین تعاونی (خالقی) تهران، شابک: ۵-۱۶-۵۵۹۶-۹۶۴.
- اشمیت، رودیگر، (۱۳۸۲)؛ راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد اول: زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
- اعوانی، غلامرضا، (۱۳۷۸)؛ تقریرات درسی، انجمن حکمت و فلسفه، ایران.
- امینی، ابراهیم، (۱۳۹۵)؛ سرگذشت بازیگری در ایران، چاپ اول، نشر افق، تهران، شابک: ۴-۰۷۴-۳۵۳-۶۰۰-۹۷۸.
- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۹۰)؛ هنر مقدس (اصول و روشها)، مترجم: جلال ستاری، چاپ پنجم، نشر سروش، تهران، شابک: ۳-۱۷۹-۱۲-۰۹۶۴-۹۷۸.
- ترزا، (۱۳۷۵)؛ شکوفایی خلاقیت کودکان، مترجم: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو، چاپ اول، تهران.
- چخوف، میخائیل، (۱۳۸۵)؛ بازیگری، مترجم: کیاسا ناظران، نشر قطره، تهران، شابک: ۰-۶۱۴-۳۴۱-۹۶۴-۹۷۸.
- دهقانی، بابک، (۱۳۹۲)؛ نگاهی به مبانی نمایشنامه نویسی و تحلیل نمایشنامه، چاپ اول، ناشر مولف، بندرعباس شابک: ۱-۹۸۰۷-۹۶۴-۹۷۸.
- سالم، سودابه، (۱۳۸۹)؛ بخوان با من، بساز با من (۱ و ۲)، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ اول، تهران، شابک: ۶-۸۱۵-۵۰۶-۹۶۴-۹۷۸.
- سرمدی حسین، علی برزگر، (۱۳۸۶)؛ ریاضیات مهندسی، نشر سنجش، تهران.
- صفا کیش همدانی، (۱۳۸۱)؛ دائرةالمعارف ریاضیات دانشگاهی، نشر ریاضی، تهران.
- فضلی خانی، منوچهر، (۱۳۸۱)؛ راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، نشر موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران، شابک: ۶-۲۴۵-۳۴۸-۹۶۴.
- کریمی، اکبر، (۱۳۸۷)؛ نقش هنر در فعالیت‌های امور تربیتی، وزارت آموزش و پرورش، نشریه نگاه، شماره ۳۷۳.
- محرابی، رحمت الله، (۱۳۸۳)؛ آموزش تئاتر (ویژه مربیان)، چاپ سوم، نشر عابد، تهران، شابک: ۴-۳۹-۷۰۷۷-۹۶۴.
- محمدی، رامونا، (۱۳۹۴)؛ تاریخ هنر ایران و جهان، چاپ سوم، نشر فارسیران، تهران، شابک: ۸-۳۷-۵۸۱۴-۶۰۰-۹۷۸.

## مقالات:

- دواچی، رفعت، ۱۳۹۴، ضرورت آموزش ریاضی در دوره ابتدائی، اولین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.
- دهقانی، بابک و نسیم عماره، ۱۳۹۷، ارزیابی میزان یادگیری دروس ابتدایی، در روش‌های نوین تدریس به جای روش‌های سنتی و معلم محور با نگاهی بر هنر نمایش و موسیقی مطالعه موردی: دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۱ بندرعباس، دوماهنما پژوهش در هنر و علوم انسانی.
- نظری گزنق، فایزه، ۱۳۹۶، اختلالات یادگیری در درس ریاضی و کمک به رفع اختلال یادگیری دانش آموز پایه چهارم ابتدایی به نام ش.ع در درس ریاضی، پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- سیستم حل مسئله ابداعی و خلاقیت و نوآوری نظام یافته، (۱۳۸۱)؛ مجله مدیریت. انجمن مدیریت ایران، شماره